

«وسوسه‌های دن کیشوت»

با ترجمه ایرج کریمی

کتاب «وسوسه‌های دن کیشوت» نوشته گرو ل. ب. جانسن با ترجمه ایرج کریمی به‌زودی توسط نشر چشمه منتشر و راهی بازار نشر می‌شود. جانسن در کتاب خود، ویژگی‌های گوناگون و متفاوت «دن کیشوت» را مشخص کرده و تلاش داشته‌از زوایای نو به این اثر نگاه کرده و آن را بازخوانی کند.



کافه کتاب

درباره کتاب «جزیره‌ی دکتر لیبریس» نوشته کریس گرابنستاین، ترجمه نگار عباس‌پور، نشر پرتقال

وقتش است با هرکول سلفی بگیریم

ما اسطوره‌ها و افسانه‌های زیادی داریم که با یک بازتولید دوباره و در شکل و قالبی امروزی و مناسب برای مخاطب امروز می‌توانند همچنان موردپسند و توجه قرار بگیرند. خصوصا مخاطبان نوجوان که همیشه بحث این را داریم که چگونه بین آنها و مثلا شاهنامه یا فلان آثار جاودانه ادبیات‌مان ارتباط برقرار کنیم. مطمئنا بازنویسی صرف شاهنامه، آن هم هر بار با زبانی خسته و بی‌جوش و خروش و کاملا قراردادی و ازسبازکن، صرفا برای کتاب‌سازی کردن، نمی‌توان مخاطب ادبیات ایرانی را شاهنامه‌خوان کرد. خصوصا نوجوانان را که برای سرگرم شدن هزار گزینه دیگر پیش‌رو دارند؛ ازجمله شخصیت‌ها و قهرمان‌های بازی‌های کامپیوتری و فیلم‌ها و انیمیشن‌های هالیوودی که به‌وفور در اختیارشان قرار دارد و می‌توانند با همان شخصیت‌ها و قهرمانان همذات‌پنداری کنند و خود را به آنها نزدیک احساس کنند. حالا در میان هیاهوی این همه قهرمان و ضدقهرمان چطور می‌شود برای رستم و اسفندیار و سهراب و سیاوش جایگاهی پیدا کرد، از مسائلی است که زیاددرباره‌اش می‌گویند اما هیچ‌وقت اتفاق ویژه‌ای نمی‌افتد. هر بار ناشران بزرگ ما، بودجه‌های هنگفت برای احیای شاهنامه‌وبردن آن به دل مخاطبان (در اینجا بیشتر نوجوان) تعریف کرده و عده‌ای نویسنده را هم به کار گرفته‌اند، اما نتیجه هیچ‌وقت آن‌طور که باید درخشان و درخرو توجه و تاثیرگذار نبوده است.

اگر بود دیگر این همه دغدغه برای چه بود؟ شاید در غرب و ادبیات نوجوان غرب چنین خبرهایی نیست. هر بار هرکول را در شکل و شمایل تازه و نزدیک به مذاق مخاطب امروزی وارد قصه‌ای می‌کنند یا در سینما او را در قالبی نشان می‌دهند که مخاطب پیش از اینکه احساس کند با شخصیتی اسطوره‌ای طرف است،

با او احساس رفاقت و نزدیکی می‌کند. هرکولی که گرچه‌از دل تاریخ اسطوره‌آمده اما انگار می‌تواند در همسایگی ما زندگی کند و یکی از دوستان نزدیک‌مان باشد. یا مثلا خدایان اساطیری و شخصیت‌های عامیانه‌تری چون رایبن‌هود و ...

کریس گرابنستاین به تازگی کتابی با عنوان «جزیره دکتر لیبریس» نوشته که نوجوانان با خواندن آن می‌توانند با بسیاری از شخصیت‌های داستانی مانند «رایبن‌هود»، «سه تفنگدار»، «تام‌سایر»، «هرکول» و ... آشنا شوند. گرابنستاین، در این کتاب شخصیتی به نام بیلی را به مخاطبان معرفی می‌کند که با از دست دادن گوشی موبایل خود مجبور می‌شود به کتابخانه و کتاب‌خواندن پناه ببرد. درگیر و دار این مطالعه وارد دنیای جدیدی می‌شود. بیلی که حالا در خانه دکتر لیبریس تعطیلات تابستانی خود را سپری می‌کند با پیدا کردن کلید کتابخانه

دوستان جدیدی پیدا می‌کند. درواقع شخصیت کتاب‌هایی که او می‌خواند، جان می‌گیرند و در جزیره شروع به حرکت می‌کنند. اما برخلاف همیشه که می‌بینیم و می‌خوانیم شکل این جان گرفتن خیلی عجیب و غریب و پیچیده است، این بار این شخصیت‌هاطوری وجود دارند که انگار از ابتدا بوده‌اند و این بیلی بوده که وارد دنیای آنها شده و نه آنها به دنیای بیلی وارد شده‌اند. به این‌صورت که هر وقت بیلی یکی از کتاب‌های کتابخانه شخصی دکتر لیبریس را باز می‌کند، صداهایی را از درون جزیره که وسط دریاچه قرار گرفته، می‌شنود.

در واقع چنین تصور می‌کند داستان‌هایی را که می‌خواند، یکهو جان می‌گیرند و واقعی می‌شوند. این‌جاست که به نظر او و مخاطب چنین می‌آید که شخصیت‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ای و ابرقهرمان‌ها هنگامی که در یک کتاب به مخاطب عرضه می‌شوند، بسیار واقعی‌تر و جذاب‌تر از وقتی هستند که در یک بازی کامپیوتری یا روی گوشی موبایل آنها را تجربه می‌کند.

بنابراین می‌شود گفت که کتاب به نوعی در دفاع از مطالعه کردن و کتابخوانی نیز عمل کرده است. ستنی که هرروز در جهان دارد بیشتر رنگ می‌بازد؛ چه میان مخاطب بزرگسال و چه مخاطبان نوجوان که با گوشی‌های موبایل و بازی‌های آنها بیشتر وقت می‌گذرانند و خوش هستند تا مطالعه و کتاب‌خواندن که می‌تواند باعث رشد و تعالی ذهنی‌شان شود.

خراج نقاشی ۷۰ میلیون دلاری

فرانسیس بیکن

یک پرتژه سه‌لته از «فرانسیس بیکن» قرار است در ماه می در حراجی «کریستیز» عرضه‌شود و پیش‌بینی می‌شود به قیمت ۷۰ میلیون دلار به فروش برسد. این اثر که «سه‌اتود از پرتژه جورج دایر» نام دارد، زمانی از آن «رولد‌دال» نویسنده مشهور انگلیسی بود. مالک کنونی این اثر «فرانسیس لومباریل» یک بازیگر فرانسوی است.



گفت‌وگو با ناصر وحدتی

به بهانه درگذشت حسین طیبی نوازنده ساز «له‌لوا»

خاموشی صدای مازندران



ناصر وحدتی

حسین طیبی نوازنده ساز «له‌لوا» جمعه ۶ اسفند در ۸۰ سالگی از دنیا رفت. به گفته بسیاری از کارشناسان و پژو‌هشگران موسیقی طیبی یکی از بزرگ‌ترین و مطرح‌ترین هنرمندان موسیقی نواحی استان مازندران است. این نوازنده در ۳۴ سالگی به‌عنوان نوازنده و خواننده در رادیوی ساری مشغول به کار شد. یک‌سال بعدبامدرک تحصیلی ششم ابتدایی، به‌صورت کارمزدی به استخدام اداره فرهنگ و هنر درآمد و پس از ۶ سال فعالیت در این اداره، در سال ۱۳۵۶، پست نوازندگی را به‌دست آورد. طیبی در سال ۱۳۶۴ نشان درجه ۲ هنری و در خرداد ۱۳۸۰ مقام درجه یک هنری را دریافت کرده‌است. طیبی در سال ۸۶ برای اولین بار آموزش «له‌لوا» را در فرهنگ‌خانه مازندران آغاز



مهریان‌بادی دوست خبرنگار ادب وهنر

کردوآن‌سال تاکنون هنرمندان زیادی را به موسیقی مازندران معرفی کرده است. طیبی علاوه بر «له‌لوا، به سازهای نی، سُرنا،نقاره‌وآواز محلی مازندرانی وآواز سنتی ایران(فارسی) تسلط کامل داشت. برای نخستین‌بار، او بود که به‌صورت ابداعی در آواز امیری از منطقه صونی سوم «لله‌وا» استفاده کرد و نَت «فا» دیز که تا آن زمان روی «له‌لوا» وجود نداشت به‌وسیله استاد حسین طیبی ابداع و رایج شد. طیبی نفر برتر چند دوره از جشنواره‌موسیقی فجر شناخته شده است و جشنی پیش هم در خانه موسیقی ایران مورد تقدیر قرار گرفت. چهار آلبوم از او پیش از انقلاب منتشر شد اما بعد از انقلاب اولین آلبومش به‌نام «له‌لوا» در سال ۶۵ منتشر شد که این آلبوم منبع و ماخذ له‌لوانوازان مازندران است. او علاوه‌بر اینکه در مازندران و گیلان و کنسرت‌های مختلف «له‌لوا» می‌نواخت، در مرداد سال ۱۳۷۰ در جشنواره آوینیون فرانسه و در شهرپور همان سال در جشن هنر ایران در شهر دوسلدورف آلمان شرکت کرد. به همین مناسبت با ناصر وحدتی که چندین کتاب پژوهشی در زمینه موسیقی گیلان و مازندران دارد به‌گفت‌وگو پرداخته‌ایم.



حسین طیبی نوازنده ساز «له‌لوا»



چتما شما حسین طیبی را می‌شناسید. اهمیت ساز ایشان را در چه می‌دانید؟

من «له‌لوا» را از سازهای ملی مردم مازندران می‌دانم. «له‌لوا» را در گیلان می‌گویم «لله» یا همان لی‌له.

«له‌لوا» در واقع یک جوری ساز حزن‌انگیز مردم مازندران است. مردم هنوز در مراسم سوگوری از این ساز استفاده می‌کنند. این ساز صدای بم گرفته و بسیار اندوهگین‌بار است. الان هم اتفاقا پسر زندیاد احمد محسن‌پور در گروه «شواش» این ساز را می‌زند.



هشتم اسفند سالروز

درگذشت غلامحسین بنان

امروز هشتم اسفندماه سالروز درگذشت استاد غلامحسین بنان خواننده «الهه ناز» است. صدای غلامحسین بنان سال ۱۳۳۱ همراه با عده‌ای از هنرمندان دیگر از رادیو تهران به گوش رسید و دیری نگذشت که نام او زیانزد همه‌شد. بنان در طول فعالیت هنری خود، حدود ۳۵۰ قطعه اجرا کرد که «بهار دلنشین»، «ای ایران» و... از مشهورترین آنها هستند.



گروه ادب و هنر به شهادت هنرشناسان ایرانی معاصر، محمدعلی ترقی‌جاه، یکی از نقاشان صاحب‌سبک و پراوازه ایرانی است که بوی هنر شرق در آثار او موج می‌زند. این روزها بر دیوارها و فضای گالری آرت سنتر جهان خاص و انتزاعی خود کرد. اما آنچه که بر شهرت او افزود، مجموعه‌های تجریدی او از اسب‌ها، خروس‌ها و زن‌ها بود که در این میان اسب‌هایش بارزترین نشان هنری او شد. زن، اسب، مرد و گل و اسب در کارهای او به شکلی نوآورانه و بدیع در ترکیب‌بندی‌های شاد و سبک تکرار می‌شود. آوازه نقاشی‌های او به موزه‌های معتبر جهان کشیده‌شد و موزه بین‌المللی هنر قرن ۲۱ آمریکا (TIMOTCA) آثار او را به‌عنوان نماینده هنر ایران انتخاب کرد. موزه هنرهای معاصر تهران، موزه هنرهای مدرن شارجه، نوتردام هلند و موزه ورلدا از جمله موزه‌های مهمی هستند که آثار او را دارند.

نمایشگاه مروری بر آثار ترقی‌جاه این مجال را فراهم می‌کند تا مخاطب علاقه‌مند با مراحل مختلف نقاشی‌های او آشنا شود. از سلف‌پرتزه گرفته تا مجموعه خروس‌ها و مناظر و مجموعه اسب‌ها در این نمایشگاه وجود دارند. در این آثار به‌خوبی می‌توان رد پای نگارگری ایرانی را دید که هنرمند با زبانی امروزی و در حین حال جهانی به سراغ آنها رفته‌است. اسب‌های شاهنامه‌شاه طهماسب و شاهنامه‌باستنقری، شکل و نمود دیگری در تابلوهای ترقی‌جاه پیدا می‌کنند. با این توضیح که اسب‌های نقاشی‌های او نه پا و سُم دارند و نه افسار و سر به آسمان دارند. زمین در آثار او جای او را به آسمان می‌دهد و بی‌وزنی و سبکی در کارهایش موج می‌زند. حتی پیکرها نیز در کارهایش ضخامت ندارند و به شکلی هارمونی، در فضا معلق هستند و یادآور، سبکی جهان هستند. خطوط در کارهای ترقی‌جاه نرم، سیال، منحنی و متاثر از خوشنویسی هستند.



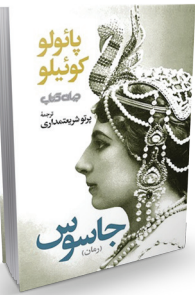
آثاری از محمدعلی ترقی‌جاه

ادبیات

«جاسوس» پائولو کوئیلو به ایران آمد

روایتی از ماتا هاری

پائولو کوئیلو، نویسنده پر فروش جهان که تب خواندن آثارش در دهه ۸۰ در جهان زیاد بود، این بار به سراغ روایت زندگی زنی رفته است که مشهور به زیباترین جاسوسان جهان است. گرترو مارگارت زله‌معروف به ماتا هاری رقص هلندی-آلمانی و متهم به جاسوسی در جریان جنگ جهانی اول در خاک فرانسه برای آلمانی‌ها بود. پائولو کوئیلو به سراغ این زن رفته و از زندگی او روایتی داستانی به دست داده است. «جاسوس» عنوان رمانی است که انتشارات جهان کتاب از این نویسنده با ترجمه پرتو شریعتمداری راهی بازار کتاب کرده است. کوئیلو توضیح داده‌است که این رمان را بر اساس پرونده‌ای نوشته است. سرورس جاسوسی بریتانیا دربار ماتا هاری تهیه کرده و در سال ۱۹۹۹ در دسترس عموم قرار داده‌است. او این پرونده را در سایت خودش را در دسترس مخاطبان قرار



«چانی ونجک» جدیدترین رمان

جوزف بویدن در ایران

جوزف بویدن رمان‌نویس کانادایی این بار با رمان «چانی ونجک» با ترجمه محمد جوادی در انتشارات کتابسرای تندیس به ایرانی‌ها معرفی می‌شود. ونجک پسر بچه دوازده‌ساله آجیب‌وی بود که پنجاه سال پیش در ۱۱۶ اکتبر سال ۱۹۶۶ همراه دو نفر از دوستانش که باهم برادر بودند از مدرسه شبانه‌روزی سرخ‌پوستان سسیلیا جفریز فرار کردند.



مروری بر آثار محمدعلی ترقی‌جاه

از پیشگامان هنر نوین ایران در گالری آرت سنتر

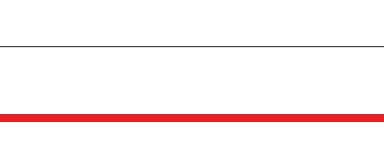
اسب‌های سربه‌هوا

خارج از کشور معرفی کرد. البته سبک منحصر به فرد ترقی‌جاه از او هنرمندی ساخت که آثارش قابل تقلید و کپی نیست و همچنان در نقاشی ایرانی معاصر یگانه مانده است. ترقی‌جاه که کار خود را از نقاشی از طبیعت شروع کرده بود، به تدریج به سمت و سوی جهان خاص و انتزاعی خود کرد. اما آنچه که بر شهرت او افزود، مجموعه‌های تجریدی او از اسب‌ها، خروس‌ها و زن‌ها بود که در این میان اسب‌هایش بارزترین نشان هنری او شد. زن، اسب، مرد و گل و اسب در کارهای او به شکلی نوآورانه و بدیع در ترکیب‌بندی‌های شاد و سبک تکرار می‌شود. آوازه نقاشی‌های او به موزه‌های معتبر جهان کشیده‌شد و موزه بین‌المللی هنر قرن ۲۱ آمریکا (TIMOTCA) آثار او را به‌عنوان نماینده هنر ایران انتخاب کرد. موزه هنرهای معاصر تهران، موزه هنرهای مدرن شارجه، نوتردام هلند و موزه ورلدا از جمله موزه‌های مهمی هستند که آثار او را دارند.

نمایشگاه مروری بر آثار ترقی‌جاه این مجال را فراهم می‌کند تا مخاطب علاقه‌مند با مراحل مختلف نقاشی‌های او آشنا شود. از سلف‌پرتزه گرفته تا مجموعه خروس‌ها و مناظر و مجموعه اسب‌ها در این نمایشگاه وجود دارند. در این آثار به‌خوبی می‌توان رد پای نگارگری ایرانی را دید که هنرمند با زبانی امروزی و در حین حال جهانی به سراغ آنها رفته‌است. اسب‌های شاهنامه‌شاه طهماسب و شاهنامه‌باستنقری، شکل و نمود دیگری در تابلوهای ترقی‌جاه پیدا می‌کنند. با این توضیح که اسب‌های نقاشی‌های او نه پا و سُم دارند و نه افسار و سر به آسمان دارند. زمین در آثار او جای او را به آسمان می‌دهد و بی‌وزنی و سبکی در کارهایش موج می‌زند. حتی پیکرها نیز در کارهایش ضخامت ندارند و به شکلی هارمونی، در فضا معلق هستند و یادآور، سبکی جهان هستند. خطوط در کارهای ترقی‌جاه نرم، سیال، منحنی و متاثر از خوشنویسی هستند.



آثاری از محمدعلی ترقی‌جاه



چقدر او را به موسیقی مازندران معرفی کرده است. طیبی علاوه بر «له‌لوا، به سازهای نی، سُرنا،نقاره‌وآواز محلی مازندرانی وآواز سنتی ایران(فارسی) تسلط کامل داشت. برای نخستین‌بار، او بود که به‌صورت ابداعی در آواز امیری از منطقه صونی سوم «لله‌وا» استفاده کرد و نَت «فا» دیز که تا آن زمان روی «له‌لوا» وجود نداشت به‌وسیله استاد حسین طیبی ابداع و رایج شد. طیبی نفر برتر چند دوره از جشنواره‌موسیقی فجر شناخته شده است و جشنی پیش هم در خانه موسیقی ایران مورد تقدیر قرار گرفت. چهار آلبوم از او پیش از انقلاب منتشر شد اما بعد از انقلاب اولین آلبومش به‌نام «له‌لوا» در سال ۶۵ منتشر شد که این آلبوم منبع و ماخذ له‌لوانوازان مازندران است. او علاوه‌بر اینکه در مازندران و گیلان و کنسرت‌های مختلف «له‌لوا» می‌نواخت، در مرداد سال ۱۳۷۰ در جشنواره آوینیون فرانسه و در شهرپور همان سال در جشن هنر ایران در شهر دوسلدورف آلمان شرکت کرد. به همین مناسبت با ناصر وحدتی که چندین کتاب پژوهشی در زمینه موسیقی گیلان و مازندران دارد به‌گفت‌وگو پرداخته‌ایم.

داده است. «ماتا هاری» رقصنده و فاحشه‌ای هلندی انگلیسی بود که در زمان جنگ جهانی اول در فرانسه با افسران فرانسوی ارتباطات زیادی داشت. سازمان‌های جاسوسی فرانسه او را به جاسوسی برای آلمان متهم و پس از محاکمه او را تیرباران کردند. سازمان‌های اطلاعاتی فرانسه اعتقاد داشتند وی با فتنه‌انگیزی توانسته برخی افسران فرانسوی را به جان هم انداخته که باعث مرگ برخی آنها شده و علاوه‌بر آن از این افسران اخبار و اطلاعات را استخراج کرده و آنها را به آلمانی‌ها می‌رسانده است. آنها را در نوزدهم اکتبر، یعنی ۱۴ روز بعد از اعدام ماتا هاری، شاکلی اصلی او، سروان جورج لدو، خود به جاسوسی برای آلمانی‌ها متهم و زندانی شد. به‌وسیله سرویس‌های ضد جاسوسی فرانسه تحت بازجویی قرار گرفت. جسد ماتا هاری نیز در گوری کم‌عمق وی نشان دفن شد.